



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۳۹۷، دوره ۱، شماره ۲

بررسی جایگاه شهر جهانی در مدیریت شهری کلانشهر تبریز

سجاد فلاح پور^۱، اکبر حسین پور^۲، رضا آزادمرد^۳

۱. باشگاه پژوهشگران و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

۲. مربی آموزشی گروه مهندسی کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، کلبر، ایران

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، گروه علوم انسانی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران

akbarhoseinpoor@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۱

چکیده

اشارات مربوط به نیروهای جهانی شدن در تجارت، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و نیز در متون مختلف علمی و مؤسسات آموزشی در اقصی نقاط جهان رواج یافته است. شهرها به دلیل اهمیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روابط پیچیده‌ای با جهانی شدن داشته‌اند. مطالعات درباره این روابط در حال شکل دادن به یک چارچوب نظری جدید در مطالعات شهری است که نظریه شهر جهانی خوانده می‌شود. در مطالعات شهری، این نظریه جدید با پرسش‌هایی در رابطه با تأثیرات جهانی شدن بر شهرها و نحوه پاسخگویی شهرها به جهانی شدن آغاز می‌شود و با تدوین فرآیندهایی راهنما برای هدایت شهرها به سمت جهانی شدن پایان می‌یابد. در همین ارتباط کلانشهر تبریز به دلیل موقعیت جغرافیایی خاصی که در منطقه شمال غرب ایران دارد، همواره قطب این منطقه از کشور بوده است. پژوهش حاضر ضمن بررسی پیشینه و عوامل مفهوم جهانی شدن و شهر جهانی، به منظور تحلیل عوامل تأثیر گذار بر این مهم، مدیریت شهری را در این موضوع مورد بررسی قرار داده است. به عبارت دیگر جایگاه شهر جهانی در مدیریت شهری کلانشهر تبریز مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور پرسشنامه‌ای برای متخصصان، مدیران و مسئولان شهری و همچنین نخبگان که شامل اساتید دانشگاه تبریز در رشته‌های مربوط به شاخص‌های جهانی شدن می‌باشد، ترتیب داده شده که تعداد ۹۷۹ بعنوان جامعه آماری پرسش به عمل آمده است. پایایی داده‌های مورد استفاده با بهره گیری از آلفای کرونباخ به میزان ۰,۷۵ محاسبه شده و توسط آزمون تک نمونه‌ای *T-on sample* test فرضیه‌های تحقیق مورد ارزیابی قرار داده شده است. بر طبق آزمون تک نمونه‌ای هر سه فرضیه تحقیق که مبنی بر مطلوب بودن میزان آشنایی مدیران و مسئولان شهری با جهانی شدن و شهر جهانی، عدم وجود ظرفیت‌های نهادی- مدیریتی لازم و عملکرد نامطوب مدیران شهری در تبدیل کلانشهر تبریز به شهر جهانی مورد تأیید قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، شهر جهانی، مدیریت شهری، کلانشهر تبریز

مقدمه

هر عصری تکیه بر مفاهیمی دارد که تصور عموم مردم را به خود جلب می‌کند و اخیراً جهانی شدن به عنوان یکی از این مفاهیم در عصر ما ظهور کرده است (شورت، ۱۳۸۴: ۳). جهانی شدن مجموعه‌ای از فرآیندهای چند بعدی و پیچیده است که عرصه‌های متعددی از جمله اقتصاد، ایدئولوژی، سیاست، فرهنگ و محیط زیست را در بر می‌گیرد. منطق جهانی شدن اساساً در منطق سرمایه داری؛ یعنی حفظ و بسط فرایند تکاثر سرمایه ریشه دارد و از این رو اقتصاد در جبهه مقدم فرآیند جهانی شدن قرار می‌گیرد (Gills, ۲۰۰۲: ۲۵). جهانی شدن یک جریان مستمر از مسیر تاریخی بین‌المللی شدن است که موجب افزایش وابستگی کشورهای جهان به یکدیگر از ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و به ویژه زیست محیطی شده است به قول مانوئلا لوکاس، جهانی شدن موجب شده که مشکل شما مشکل ما بشود. جنگ در یک کشور هجوم پناهندگان به کشورهای دیگر را در پی آورد و مسائل زیست محیطی در یک کشور مسبب بروز فاجعه در سایر کشورها شود (Lucas, 2004: 1). به نظر واترز، جهانی شدن فرایندی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده‌ای از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند (واترز، ۱۳۷۹: ۱۲). به نظر مارتین آلبرو: «جهانی شدن، به همه جریاناتی اطلاق می‌شود که با آن همه مردم جهان در یک جامعه جهانی در حال تعامل هستند». به نظر آنتونی گیدنز: «جهانی شدن یعنی عمیق شدن روابط اجتماعی در سطح وسیع به طوری که فاصله‌ها نامحسوس شوند و بتوان علت وقوع یک حادثه در یک محل را در منطقه‌ای کاملاً مجزا و دور، جستجو کرد». به نظر یان آرت شولت: «جهانی شدن، روندی است که در آن روابط اجتماعی دارای ماهیت بدون مرز و فاصله می‌شوند.

رابرتسون در تعریف جهانی شدن عنوان می‌کند: جهانی شدن به در هم فشردن جهان و تراکم آگاهی نسبت به جهان دلالت دارد (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۵۱). جهانی شدن بیانگر دگرگونی در ماهیت فضای اجتماعی است که فضایی بدون قلمروهای مشخص پنداشته می‌شود. چنانچه پدیده‌هایی مثل مکالمات تلفنی، جریان‌های مالی الکترونیک و تخریب لایه اوزون به قلمروهای مشخص محدود نمی‌شوند. به منظور قرار دادن تحلیل‌ها در قالبی مشخص، دستیابی به یک تعریف جامع ضرورت دارد. می‌توان جهانی شدن را گسترش تشابهات، پیوندها و ارتباطات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی میان مردم جهان و کم رنگ شدن تأثیر قلمروها و قید و بندهای موضوع در آنها دانست. این تعریف ضمن توجه به ابعاد مختلف رخدادهایی که در قاموس جهانی شدن می‌گنجد، ارتباطات بین مردم در تمامی پهنه گیتی و همگون سازی و متحدالشکل شدن الگوهای زندگی را مورد نظر قرار می‌دهد. همچنین پیوند میان واحدهای اقتصادی در محدوده فراملی که به تشکیل و فعالیت شرکت‌های فراملیتی می‌انجامد و گسترش همکاری‌های بین‌المللی می‌تواند از مضامین تعریف باشد. پنداشت جهانی فارغ از قلمروهای محدود کننده نیز بر زدودن مقررات و آزاد سازی فعالیت‌ها و حرکت آزادانه‌تر سرمایه‌ها، کالاها و انسان‌ها دلالت دارد (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۶۴).

با توجه به تعاریفی که از جهانی شدن ارائه شده است، در می‌یابیم که جهانی شدن باعث تحولاتی در اکثر ابعاد شده است. شهرها نیز شاید بیشترین تأثیر را از جهانی شدن داشته‌اند. در دو دهه‌ی اخیر روابط بین‌المللی کشورها و طبیعتاً روابط بین شهرها با توجه به گسترش فناوری‌های ارتباطی بیشتر شده است و این روابط طبیعتاً مهم و حیاتی

می‌باشد. شهرها به عنوان موجودی پویا از این پدیده به سرعت تأثیر می‌پذیرند. این تأثیر گذاری پدیده جهانی شدن بر شهرها، باعث می‌شود تا بر تصمیمات مدیران شهری نیز تأثیر بگذارد. در تحقیق حاضر شهر تبریز به عنوان یکی از کلانشهرهای مهم ایران از نظر جهانی شدن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این نوشته با ارزیابی معیارها و فاکتورهای جهانی شدن و بررسی نظرات مدیران و مسئولین شهری در شهر تبریز جایگاه شهر جهانی را در مدیریت شهری کلانشهر تبریز بررسی می‌کنیم. با توجه به نظرات مدیران و متخصصان شهری، اقتصاددانان، استفاده از دیدگاه‌های خبرگان علوم اجتماعی، و ... قصد داریم تا با پاسخ به سؤالات و فرضیات تحقیق نشان دهیم شهر تبریز تا چه حد به عنوان شهر جهانی تلقی می‌شود.

۱- میزان آشنایی مدیران و مسئولین شهری تبریز نسبت به مفهوم شهر جهانی چگونه است؟

۲- آیا کلانشهر تبریز از ظرفیت نهادی - مدیریتی لازم برای تبدیل شدن به شهر جهانی برخوردار می‌باشد؟

۳- عملکرد مدیریت شهری تبریز در تبدیل کلانشهر تبریز به شهر جهانی چگونه می‌باشد؟

➤ میزان آشنایی مدیران و مسئولین شهری کلانشهر تبریز با مفاهیم شهرهای جهانی وضعیت مطلوبی دارد.

➤ کلانشهر تبریز از ظرفیت نهادی - مدیریتی لازم برای تبدیل شدن به شهر جهانی برخوردار نمی‌باشد.

➤ عملکرد مدیریت شهری برای تبدیل کلانشهر تبریز به شهر جهانی مطلوب نمی‌باشد.

اهمیت و ضرورت و اهداف تحقیق

جهانی شدن به معنی متراکم شدن جهان و انباشت آگاهی در دنیا است و در تفکر و عمل جهان به مشابه یک مکان واحد قلمداد می‌گردد که در آن جوامع ملی، به ویژه افراد مجبورند موجودیت خود را به عنوان بخشی از یک مجموعه بزرگ‌تر بپذیرند. گرچه پدیده جهانی شدن در حوزه اقتصاد مطرح شده ولی همه نظام‌های جمعیتی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و فرم فیزیکی شهرها را دستخوش تغییر کرده و این نظام‌ها نیز به نوبه خود جهانی شدن در حوزه اقتصاد را تقویت نموده‌اند. بنابراین جهانی شدن استفاده هرچه مطلوب‌تر از منابع و امکانات جهان برای رفاه حال افراد بشر و مبارزه با بی عدالتی است و برای دستیابی به این اهداف همکاری سازمان‌های دولتی و غیر دولتی ضروری است (استعلاجی، ۱۳۹۲: ۳۲). پس با توجه به این امر، ضرورت توجه به جهانی شدن یا به عبارت دیگر تأثیر جهانی شدن بیشتر می‌شود. نقش شهرها با توجه به عملکرد مدیران شهری می‌تواند تضعیف یا تقویت گردد. از این رو به نظر نگارنده ضروری می‌باشد تا به بررسی مدیریت کلانشهر تبریز به عنوان بزرگترین شهر در شمال غرب ایران، و بزرگترین مرکز تجارتی، صنعتی، خدماتی و... در شمال غرب ایران در زمینه جهانی شدن پرداخته شود.

با توجه به، به روز بودن موضوع تحقیق، انتظار می‌رود تا با مطالعه و بررسی این موضوع، یعنی بررسی جایگاه شهر جهانی در مدیریت شهری کلانشهر تبریز، بتوان موقعیت و نقش شهر تبریز را در منطقه، کشور و عرصه‌های بین‌المللی به خوبی نشان داد. و با بررسی معیارها و فاکتورهای جهانی شدن و مقایسه کلانشهرهای جهانی با کلانشهر تبریز، بتوان به ارزیابی این موضوع پرداخت. هدف ما از این تحقیق این است که ابتدا از دیدگاه مدیران و متخصصان شهری تبریز در مورد جهانی شدن مطلع شویم، سپس با استخراج شاخص‌های جهانی شدن شهرها، این شاخص‌ها را در شهر تبریز مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم.

سابقه انجام پژوهش

حبيب اله فصیحی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان جهانی شدن از منظر توسعه پایدار با روش توصیفی به این نتیجه می‌رسد که فرآیند جهانی شدن در ارتباط با دو بعد مهم توسعه پایدار یعنی موضوع محیطی و مساله تعادل‌های اجتماعی و فضایی مربوط است و گسترش تجارت بین المللی (اقتصاد) عینی‌ترین وجه جهانی شدن است که موجب گسترش حمل و نقل، رشد سوخت، گسترش استخراج منابع معدنی و ... را در پی دارد. همچنین جهانی شدن شهرها باعث حضور گسترده شرکت‌های فراملیتی در اقتصاد جهانی را فراهم می‌کند.

سلیمانی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان بررسی تمرکز و عدم تمرکز نموده‌های جهانی شدن در کلانشهرهای کشورهای در حال توسعه (مطالعه موردی: تهران) با بررسی مکان‌های اقتصادی، زیرساخت‌های ارتباط راه دور، مکان‌های عرضه صنایع دیجیتال از نظر چگونگی پراکنش نسبت به یکدیگر و همچنین در ارتباط با هسته تجاری (CBD) و جمعیت شهر تهران با استفاده از داده‌های مکانی در نرم افزار (Arc GIS) محاسبه کرده و به این نتیجه رسیدند که رابطه معکوسی بین تراکم جمعیت و مکانیابی کاربری جهانی شدن وجود دارد. و همچنین این گرایش‌ها بیشتر گرایش به مکانیابی در خارج از هسته تجاری شهر دارند. پس با توجه به این نتایج این نظریه را ارائه می‌دهند که ارتباط مستقیم و چهره به چهره در روند جهانی شدن تهران و فعالیت‌های مرتبط با آن (کارکردها) وجود دارد.

زالی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان بررسی اثر جهانی شدن بر توسعه شهری با روش توصیفی به این نتیجه رسیدند که جابه جایی و انتقال فزاینده‌ی مردم، کالاها، سرمایه و اطلاعات، دنیا را جهانی کرده است. جهانی شدن فرآیند رو به گسترشی است که همه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شهرهای جهان را در بر گرفته است؛ هر کدام از این ابعاد در فرآیند توسعه شهری مهم‌اند، اما بعد اقتصادی بسیار مهم‌تر و اساسی‌تر است. به نظر می‌رسد در فرآیند جهانی شدن مهم‌ترین و پیشتازترین بخش، اقتصاد بوده است. این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که روند جهانی شدن بیشترین تأثیرات خود را بر اقتصاد جهان داشته است. بنابراین برای دستیابی به توسعه شهری ضروری است که همزمان با پیشرفت فناوری و همگام با ارتباطات اقتصادی در جهان گام برداریم. هدف از تحقیق حاضر روشن ساختن ماهیت جهانی شدن اقتصاد بر توسعه شهری است.

مبانی نظری پژوهش

تاریخچه جهانی شدن

در دهه‌ی ۱۹۶۰ «مارشال مک لوهان» موضوع «دهکده جهانی» را مطرح کرد که دهکده‌ای مبتنی بر فناوری است و به دلیل وجود سرعت اجتماعی در تمامی ابعاد زندگی انسانی تحقق پذیرفته است. «مارتین هایدگر» فیلسوف آلمانی در زمره نخستین نظریه‌پردازانی است که به مباحث در باب جهانی شدن از نظر فلسفی پرداخته است. او «نابودی فاصله» را ویژگی وضعیت کنونی بشر و تغییر در تجربه‌ی مکانی را با تغییرات اساسی در زمان‌بندی فعالیت بشری مرتبط دانسته است. به نظر هایدگر: همه فاصله‌ها در زمان و مکان در حال کم شدن است. امروز بشر یک شبهه به مکان‌هایی می‌رسد که قبل از این هفته‌ها و ماه‌ها طول می‌کشید (مصطفوی، ۱۳۸۲: ۱۵). هر چند امروزه به مدد پیشرفت فن‌آوری و تکنولوژی‌های ارتباطی از قبیل ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، فهم جهانی شدن آسان‌تر شده است و همه‌روزه در اخبار و رسانه‌ها از اوضاع جهان و تأثیر متقابل اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مطلع می‌شویم، با وجود این شاید مفهوم جهانی شدن و تعریف آن به این سادگی نبوده است و تعریفی

جامع از آن توسط صاحب‌نظران ارائه نشده است. واژه‌ی جهانی شدن (Globalization) از دهه‌ی ۱۹۹۰ به عنوان موضوع روز مطرح شده و به گفته‌ی بعضی از صاحب‌نظران از جمله مالکوم واترز برگرفته از واژه «Global» است که قدمتی چهارصد ساله دارد (واترز، ۱۳۷۹: ۱۰).

برای فرآیند جهانی شدن سه مرحله را می‌توان مشخص کرد:

- هشیاری جهانی حدود پانصد سال قبل شروع شد.
- فوق قلمروگرایی که از اواسط قرن نوزدهم ظاهر شد و طی سده‌ی بعد با آهنگی تدریجی توسعه پیدا کرد.
- روابط جهانی که عمدتاً از سال‌های دهه ۱۹۶۰ گسترش یافته و بیشترین اهمیت را به دست آورده است (نویخت و همکار، ۱۳۸۷: ۲۱).

ابعاد جهانی شدن

از بعد فرهنگی، جهانی شدن بیشتر ناظر بر فشردگی زمان و مکان و پیدایش شرایط جدید برای جامعه جهانی و جهانی شدن فرهنگ است. این بعد از جهانی شدن بر اقتصاد و سیاست تفوق دارد و عمده توجه آن بر روی مشکلاتی تمرکز دارد که فرهنگ جهانی با بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی برای هویت ملی و محلی بوجود می‌آورد. مبانی تحلیلی طرفداران فرهنگ جهانی، بر این اصل مبتنی است که رشد فزاینده فناوری و وسایل ارتباط جمعی، اینترنت و ماهواره، موجب فشردگی زمان - مکان و نزدیکی فرهنگ کشورها شده است و از این طریق یک فرهنگ مسلط در جهان تشکیل داده است. (میرمحمدی، ۱۳۸۱: ۳۲).

«پراتون» جهانی شدن را فرایندی از تحول می‌داند که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کم رنگ کرده ارتباطات را گسترش داده و تعامل فرهنگها را افزون می‌نماید به نظر وی جهانی شدن پدیده‌ای چند بعدی است که آثار آن قابل تسری به فعالیت‌های اجتماعی اقتصادی سیاسی حقوقی فرهنگی نظامی و فناوری است و همچنین فعالیت‌های اجتماعی همچون محیط زیست را متأثر می‌کند (عزیز الاسلام، ۱۳۸۱: ۴۱). به عقیده «مایکل تانز» جهانی شدن پیامد یک انقلاب تکنولوژیک است که همزمان با رایانه‌ای کردن امور ارتباطات راه دور و حمل و نقل سریع مشاهده می‌شود (Friedman, 1999: 51).

جهانی شدن یک فرایند موزون نیست و پیامدهای متنوعی برای جوامع گوناگون در حوزه‌های مختلف دارد. (قوام، ۱۳۸۲: ۵۱). در واقع جهانی شدن پدیده‌ای پیچیده و چند وجهی است و در تلاش برای ارزیابی آن، باید با این فرض واقع‌گرایانه شروع کنیم که جهانی شدن، حقیقتی از زندگی امروز ما شده است؛ روندی غیرقابل تغییر که وعده رشد و ثروت را می‌دهد. این پدیده، دنیا را چنان به هم تنیده است، که کمتر واحد اجتماعی را می‌توان یافت که درهای خود را بر روی جریان‌ها و شبکه‌های جهانی بسته باشد، حتی محکم‌ترین مرزهای طبیعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز بینابین شده است و دگرگونی جایگزین ثبات و قطعیت شده است (توحیدفام، ۱۳۸۱: ۷۷). با ظهور چهره جدیدی از سرمایه داری در عصر امپریالیسم و جهانی شدن، به ابعاد فرهنگی و سیاسی بیش از استعمار اقتصادی توجه می‌شود و در جهت خلق فرهنگ‌های جهانی فعالیت می‌کند (Johnston, 1985: 48). تحت تسلط سرمایه داری، تولیدات فرهنگی با تولیدات کالا یکپارچه می‌شود و یک تسلط جدید فرهنگی از طریق جامعه اطلاع‌رسانی بر زندگی مردم سایه می‌افکند، بدین سان که تولیدات فرهنگی در چارچوب شرایط سیاسی، اقتصادی

و اجتماعی صورت می‌گیرد. روی این اصل در بحث مدرنیسم و پست مدرنیسم، عامل فرهنگ در کانون تحلیل‌های جامعه، در مرحله نهایی سرمایه داری قرار می‌گیرد (شکوئی، ۱۳۷۳: ۷۷). در زمینه اقتصاد دسترسی به بازارهای جهانی را می‌طلبد و تسخیر بازار مستلزم تغییر در فرهنگ و باورهای دیگر ملتها بود و از همین جا مفهوم صدور ارزش مازاد در تولید و مبادلات فرهنگی شکل گرفت، که در اثر تحمیل سیاست‌های اقناعی و مبادله یک سویه فرهنگی تحقق یافت (کاظمی، ۱۳۷۷: ۵۵).

عوامل مؤثر بر جهانی شدن

در خصوص عامل ایجاد وضعیتی که از آن، به وضعیت جهانی شدن یاد می‌شود، بین نظریه‌پردازان اختلاف نظر هست. در جهان امروز، شاهد عوامل متعددی هستیم که پیدایش و تکوین جهانی شدن را با آنها مرتبط می‌دانند. مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. رشد شرکت‌های چندملیتی: در حوزه اقتصاد، شرکت‌هایی به نام شرکت‌های چندملیتی وجود دارند که به یک دولت خاص وابسته نیستند و از چند ملیت تشکیل شده‌اند. البته امروزه این شرکت‌ها نیز کم‌کم از رونق می‌افتند و شرکت‌های فراملیتی، در حال شکل‌گیری هستند که بخش عظیمی از اقتصاد جهانی، در اختیار آنهاست. رئیس شرکت «Microsoft» که شاید عظیم‌ترین شرکت در عرصه فناوری‌های نوین باشد، صاحب بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه شخصی است.

۲. گسترش و نفوذ بازارهای مالی جهانی: در سرمایه‌داری جدید، اعتبار و اعتماد، پیش‌برنده امور است. به همین دلیل، امروزه بانک‌ها در سرمایه‌داری دنیا نقش مهم و اساسی دارند. به‌ویژه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول. در امور بانکی نیز تکنولوژی ارتباطات، نقشی اساسی دارد. تا آنجا که امور بانکی هم از طریق ارتباطات اینترنتی عملی است. همچنین اینجا موضوعاتی مانند کارت‌های اعتباری، مطرح می‌شوند.

۳. افزایش اقدامات بین‌المللی در خصوص حفظ حقوق بشر: یکی از مسائل دیگری که بر موضوع جهانی شدن اثر زیادی داشته است، مسئله افزایش اقدامات بین‌المللی در خصوص حفظ حقوق بشر است. در این دوره، با رشد سریع سازمان‌های غیردولتی مواجه هستیم. این شرکت‌ها، در مقابل دولت‌ها، صاحب قدرت شده‌اند و ارتباطات مردم هم به‌واسطه اینترنت با این شرکت‌ها بسیار تسریع شده و همین موضوع، مشکلاتی برای دولت‌ها پدید آورده است.

۴. مسائل زیست محیطی: بحث مهم دیگری که فرایند جهانی شدن را تشدید می‌کند، مسائل زیست محیطی است. مسئله گرم شدن کره زمین، باران‌های اسیدی و نازک شدن لایه ازن، بحث‌هایی هستند که افکار همه کشورهای دنیا را به خود مشغول کرده‌اند. بنابراین، لازم است همه دولت‌ها برای رفع این مشکلات، هماهنگ و همکار باشند.

۵. ارتباطات و فناوری‌های ارتباطی: صنعت ارتباطات، یکی از صنایع مسحورکننده است که در دهه اخیر، با سرعتی باورنکردنی رشد یافته است. در حال حاضر، حجم یک کتابخانه بزرگ را در یک دیسک فشرده ذخیره، و انبوهی از اطلاعات را از آن سوی دنیا دانلود می‌کنند. همه اینها دست به دست هم داده‌اند تا تحولی عجیب در انتقال اطلاعات، صوت و تصویر، به وجود آورند (توسلی، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

فرصت‌ها و تهدیدهای جهانی شدن

جهانی شدن هم جای امیدواری و هم جای نگرانی است. بررسی تغییرات اقتصادی صد سال گذشته مزایای پرتأثیر و متعدد جهانی شدن از جمله افزایش امکان انسجام اقتصاد جهانی، جریان عوامل تجارت و نیز قدرت ایده‌ها و اطلاعات در شبیه‌سازی روند اقتصادی و سیاسی را نشان می‌دهد. کشورهایی که بیش از همه، پذیرای جهانی‌سازی بوده‌اند، از سایر کشورها پیشرفت بیشتری کرده‌اند (Craft, 2000).

فرصت‌ها

- توسعه‌ی بازارها در ماورای مرزهای ملی
- با جهانی شدن اقتصادی، سرمایه با آزادی بیشتر حرکت خواهد کرد
- جهانی شدن با ایجاد فضای باز رقابتی باعث افزایش کارایی بنگاه‌های داخلی و گسترده شدن فعالیت شرکت‌های چند ملیتی می‌شود
- جهانی شدن اقتصاد زمینه‌ی تقویت همکاری و همبستگی بین‌المللی در زمینه‌های متفاوت را بین شهرها فراهم می‌آورد
- افزایش کارایی محصولات تولیدی به واسطه‌ی گسترش آن‌ها در سطح جهانی
- ارتقای رفاه جهانی ناشی از کاهش هزینه‌ها
- تعدادی از دانشمندان جهانی شدن را برای شهرهای جهان و از جمله شهرهای کشورهای در حال توسعه فرصت مناسبی دانسته‌اند که منجر به حذف موانع جابه‌جایی سرمایه‌ها و منابع، تقسیم کار بهتر، رشد اقتصادی و در نهایت توسعه‌ی شهری خواهد شد.

تهدیدها

- اقتصاد جهانی و به تبع آن توسعه‌ی شهری تنها تعداد کمی از کشورهای عضو و شهرهای آن‌ها را پوشش می‌دهد که به طور فزاینده‌ای از نظر اقتصادی با هم ارتباط بینایی دارند
- رواج سریع بحران‌های مالی و آسیب پذیری شهرها از روند توسعه
- وضعیت دشوار رقابت برای واحدهای صنعتی مختلف در شهرها بویژه شهرهای کوچک
- جهانی شدن اقتصاد و تأثیرات مثبت آن بر توسعه‌ی شهرها تنها در معدودی از کشورها اتفاق می‌افتد
- افزایش فاصله‌ی طبقاتی و گروه‌های درآمدی بین مردم در جریان توسعه‌ی ناکارآمد شهری
- آسیب‌پذیری نظام اقتصادی شهرها در کشورهای در حال توسعه (به‌کیش، ۱۳۸۴: ۶).

جهانی شدن و روابط بین شهرها

با کاهش محدودیت‌های جریانات فراملی در دوران جهان ی‌شدن، مقیاس روابط بین شهری و شبکه‌های شهری نیز به سطح جهانی ارتقا یافت. به گونه‌ای که برخی شهرها به عنوان حلقه واسط شبکه شهری ملی و جهانی عمل می‌کنند و موجب پیوند شهرهای ملی به شهرهای جهانی می‌شوند. نقش‌هایی که شهرهای متأثر از جهانی شدن ایفا می‌کنند دارای دو وجه ملی و جهانی هستند. تا میانه قرن بیستم، جریانات وسیع کالا، خدمات و افراد بین شهرها، درون مرزهای ملی دربرگیرنده آنها انجام می‌شد و جریانات نسبتاً کمی بین شهرها از مرزهای ملی آنها عبور می‌کرد ولی از زمانی که شرکت‌های مستقر در تعدادی از شهرهای جهان، کسب و کار خود را به طور حیرت‌آوری در دیگر کشورها

توسعه دادند، موازنه روابط بین شهری در درون و برون مرزهای ملی تغییر کرد. در نتیجه سرمایه گذاری‌های فراملی و گردشگری بین المللی؛ صادرات محصولات سینمایی، موسیقی، سبک‌ها و الگوها افزایش یافت و مردم، محصولات و ایده‌های جدید با سرعتی زیاد بین شهرهای بزرگ جهان در حال جابجایی هستند (Abrahamson, 2004: 2).

شبکه شهری جهانی، دربرگیرنده مجموعه شهرهایی است که عمدتاً به حمایت از فعالیت‌های اقتصاد جهانی مشغولند. در این شبکه شهری، برخی تولیدکننده خدمات پیشرفته هستند و برخی بازارهای مصرف را تشکیل می‌دهند. بعضی نیز مفصل پیونددهنده اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی یا محل استقرار ادارات مرکزی شرکت‌های فراملی و مراکز مالی و مبادلات سهام و سرمایه هستند. علاوه بر نقش‌های مرتبط با اقتصاد جهانی، نقش‌هایی در زمینه‌های فرهنگی و سیاسی در مقیاس جهانی نیز به توسعه شبکه شهری جهانی کمک می‌کنند. بر اساس نظر ساسن، این نقش‌های متنوع منجر به پراکندگی نقش‌های جهانی در شهرهای متعدد می‌شود که زمینه شکل‌گیری شبکه‌ای از جریان‌های مبتنی بر همکاری و وابستگی بین آنها را فراهم می‌کند (Sassen, 2008). شرکت‌های فراملی که فعالیت‌های اقتصادی خود را در سراسر جهان پراکنده‌اند و جریان‌های سرمایه، نیروی کار و اطلاعات را بر می‌انگیزانند، مهم‌ترین عوامل تشدید جریان‌های بین شهری در مقیاس جهانی محسوب می‌شوند. آنها از طریق ایجاد شبکه تولید جهانی و پراکندگی واحدهای تولید و مدیریت شرکت‌های فراملی در نقاط مختلف جهان، روابطی میان شعبات خود و یا با شرکت‌های دیگر برقرار می‌کنند که بخش مهمی از روابط بین شهری را تشکیل می‌دهند. در شبکه شهری جهانی، اهمیت شهرها تابع نقش و قدرت عملکردی آنها در فعالیت‌های جهانی اقتصاد، سیاست، فرهنگ و دانش است. در شبکه شهری جهانی قدرت شهرها ذاتاً نسبی است و آنها تا حدودی قدرت دارند که به عنوان نقاط فرماندهی و مراکز برنامه ریزی عمل کنند (Alderson & Beckfield, ۲۰۰۴: ۸۱۲).

ارتباط شهرنشینی و فرآیند جهانی شدن

شاید مهمترین مشخصه قرن بیستم، توسعه سریع شهرنشینی و پیدایش انواع و اشکال سکونتگاه‌های شهری مثل «شهرک»، «کلانشهر»، «مجموعه شهری»، «منظومه شهری» و «شهرهای جهانی» است که نه تنها سیمای شهرها و حتی سیمای کره زمین را تغییر داده، بلکه تغییرات عمیقی در شیوه زندگی و افکار و عواطف انسان‌های معاصر ایجاد کرده است. از دیدگاه جامعه‌شناختی شهری شدن در قرن بیستم یک فرآیند جهانی است که نه تنها کشورهای صنعتی بلکه کشورهای در حال توسعه را نیز دربر گرفته است (مهدیزاده، ۱۳۸۵: ۴). با توجه به این که جهانی شدن فرآیند چند وجهی است که شهرها و مردم را از طریق جریان کالاها، خدمات، سرمایه و دانش هر چه بیشتر به هم نزدیک می‌نماید. در این، میان کلانشهرها در پیشبرد این اهداف نقش اصلی را دارند (رضویان، ۱۳۸۲: ۱۹۵). روند جهانی‌شدن با توجه به تأثیری که بر ساختار اقتصادی و اجتماعی شهرها داشته است در نقش و کارکرد شهرها تغییراتی را به وجود آورده است. توسعه فیزیکی شهرها و عملکردهای شهری دستخوش تغییراتی گردیده‌اند که بحرانهای زیست محیطی را به دنبال دارد. تغییر و تحولاتی که سال‌های پایانی ۱۹۸۰ که در اثر حاکمیت اقتصاد جهانی و نظام سرمایه داری و گسترش و پیشرفت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی رخ داد و ساختار اقتصادی-اجتماعی و کالبدی شهرها را دگرگون کرد و سرمنشاء بسیاری از تحولات شهری گردید. بعد از گذشت دهه‌ها از فرآیند جهانی شدن محققین با مطرح ساختن تئوری وابستگی که شاید اولین تلاش سیستماتیک برای تحلیل جنبه‌های منفی از جهانی‌شدن است

فشارهایی که این وابستگی و ارتباط خارجی با پایه اقتصاد و ساختارهای فرهنگی قابل هضم نمی‌باشد. اگرچه این موارد با تئوری وابستگی تحلیل نمی‌شوند اما زمینه‌هایی برای به چالش کشاندن آن‌ها می‌باشد واضح است که تنوع در سیستم شهری کمک شایانی به تفاوت درون و بیرون شهرها در فضای کالبدی خود و فضای ساختار ملی در طبیعت این وابستگی و چشم اندازهایش برای توسعه می‌باشد (Robert, 2005: 111).

درک و روند شهرنشینی در کشورهای توسعه نیافته و عوامل اصلی آن تنها در پرتو بررسی روابط فضاها در چارچوب اقتصاد جهانی عملی می‌باشد. ماهیت و نوع تکامل در یک سیستم شهری بستگی به روابطی که یک فضا با فضاهای دیگر برقرار می‌کند دارد (حسامیان، ۱۳۸۵: ۱۲۲). جهانی‌شدن مخصوصاً تأثیراتش بر موقعیت‌های شغلی و بین‌المللی شدن تولیدات و شرکت‌های فراملی که ماحصل آن تقویت رشد شهرنشینی و توسعه کالبدی کلانشهرها با صرفه جریانی اطلاعات ساده و نگهداری اخیر بوده، عکس‌العملی بوجود یک سیستم حمل و نقل مناسب و چارچوب لجستیکی و توزیع متناسب با شرایط طبیعی و انسانی کلانشهر می‌باشد. جریان‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌های فراملی در کلانشهرها یک سود رقابتی عظیمی بالاتر از شهرهای کوچک به وجود آورده که در اثر زیربنای اطلاعاتی و فناوریهای ارتباطی مدرن می‌باشد که عامل تسریع‌کننده در روند شهرنشینی و توسعه کالبدی کلانشهر است (Zhao & ets, 2003: ۷۶-۳۲).

جهانی شدن و تأثیرات آن بر فرهنگ و اجتماع کشورهای در حال توسعه

فرایند جهانی شدن، ابعاد و دامنه آن آنقدر وسیع و گسترده است که تمام شئون زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است، تا جایی که برخی از صاحب نظران آن را به عنوان بزرگترین رخداد تاریخ بشری یاد کرده‌اند. به طوری که چند دهه گذشته در پرتو توسعه انقلاب ارتباطات الکترونیکی، مفهوم فاصله و فضا به گونه‌ای غیرقابل تصور در هم ریخته است. بی‌گمان فرهنگ را باید مهم‌ترین و غنی‌ترین منبع هویت دانست. افراد و گروه‌ها همواره با توسل به اجزا و عناصر فرهنگی گوناگون در جامعه هویت می‌یابند. زیرا این اجزا و عناصر توانایی چشمگیری در تأمین نیازهای انسان به متمایز بودن و ادغام شدن در جمع دارند. بسیاری از شهرهای کشورهای در حال توسعه در ۵۰ سال گذشته دستخوش دگرگونی‌ها و تحولات ساختاری عمده‌ای شده‌اند، «رولند رابرتسون» می‌گوید: جهانی شدن علاوه بر تأثیراتی که بر حوزه‌های سیاست و حکومت، اقتصاد و محیط زیست می‌گذارد به نظر می‌رسد که پیش و بیش از همه در حوزه فرهنگ تأثیر خود را نهاده است و گرایش بیشتری در این راه از خود نشان داده است به طوری که از آن گاه به جهانی شدن فرهنگ یا جهانی سازی فرهنگی یاد می‌کنند. شاید هیچ چیز بیش از اختراعات و ابداعات علمی و صنعتی زمینه این جهانی شدن فرهنگی را فراهم نکرده باشد. ویژگی‌های مشترکی که برای فناوری نوین شمرده است عبارتند از: کوچک سازی، شخصی سازی، فشرده سازی، ایجاد ارتباط و استقلال طلبی که ریشه در جوامع سرمایه داری پیشرفته دارد. این فناوری نوین سه پیامد عمده هم برای جهانی سازی فرهنگ در پی داشته که عبارتند از:

۱. صدور اخبار، اطلاعات، برنامه‌های سرگرم کننده و کالاهای مصرفی از مرکز به پیرامون که توأم با آرمان سازی از شیوه زندگی غربی صورت می‌گیرد. ۲. جذب ملت‌ها به فرهنگ غربی و زبان مشترک و عمومی که انگلیسی است در حالی که فرهنگ‌ها و زبان‌های دیگر به حوزه‌های محلی و داخلی محدود شده‌اند. انگلیسی به عنوان زبان استعمار امروزه زبان رایج و رسمی همه کشورهای مستعمره سابق انگلستان از جمله ایالات متحده، استرالیا، آفریقای جنوبی، هند، پاکستان و کانادا می‌باشد و در نقطه مقابل زبان‌های بومی چون استاندارد و مدون نشده‌اند به راحتی قابل

تشخیص نیستند و معلمان کافی هم برای آن تربیت نشده‌اند. هفتصد میلیون جمعیت آفریقا به بیش از هزاران زبان متمایز صحبت می‌کنند که در نیجریه که زبان انگلیسی زبان مسلط است فقط ۴۰۰ زبان در میان ۲۵۰ گروه قومی رواج دارد اقتصاد جهانی و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی بر ساختار شهر و محیط ساخته شده آن اثر می‌گذارند و در نتیجه آن سازمان‌های اجتماعی شهر متأثر می‌شوند (تاملینسون، ۱۳۸۴: ۱۴).

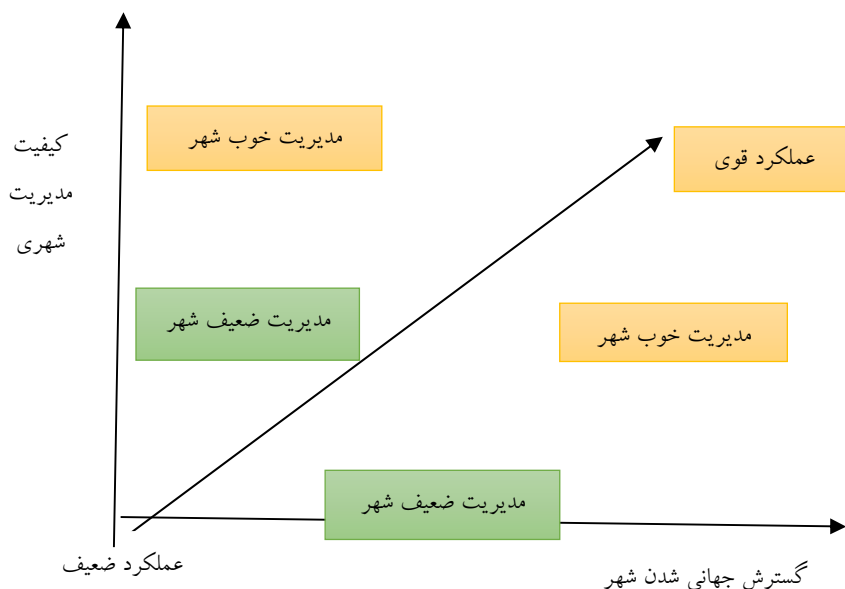
مدیریت شهری در عصر جهانی شدن

شهرها از نظر نحوه اداره و توزیع قدرت و میزان استقلال نسبت به دولت‌های ملی نیز از جهانی شدن متأثر شده‌اند. کاهش قدرت و اختیارات دولت‌های ملی، افزایش دموکراسی و تغییر شیوه اداره شهرها از حکومت به حکمرانی شهری را از پیامدهای جهانی شدن در کشورها و متأثر از آن در شهرها ذکر می‌کنند. حضور شرکت‌های فراملی، مؤسسات مالی و اعتباری در ساختار اقتصادی کشورها و شهرهای مهم و ورود به دوران جدیدی از رقابت شدید بین شهرها، موجب تغییر اهمیت و قدرت دولت و عوامل محلی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها شده است. شرایط جدید، الزاماتی را مطرح می‌سازد که نظام‌های مدیریت سنتی شهرها قادر به تأمین آنها نیست. تحولات اخیر در مدیریت شهری نتیجه لزوم هماهنگی بین منافع محلی و فرصت‌های حاصل از جهانی شدن است. «فرانس شورمان» برای رویارویی با چالش‌هایی که در نتیجه تأثیرات جهانی شدن بر شهرها پدید آمده‌اند، شکل‌گیری پارادایم جدیدی را مطرح می‌سازد که مشتمل بر سه مفهوم؛ حکمرانی شهری، مشارکت جمعی و تمرکززدایی است (Schuurman, 2001: 189). به طور کلی، دو شاخص مهم برای بررسی تأثیرات جهانی شدن بر مدیریت شهری شامل تمرکززدایی از قدرت دولت‌های تمرکزگرا به نفع مدیریت‌های شهری و گذر از الگوی سنتی حکومت شهری به حکمرانی شهری هستند. تمرکززدایی از قدرت و منابع دولت‌های مرکزی در راستای افزایش رقابت بین شهرها و شناخت بهتر مدیریت‌های محلی از توانایی‌های محلی و فشارهای جوامع محلی برای استقلال بیشتر در بسیاری از کشورها تجربه می‌شود. این اقدامات برای تقویت شهرها در فرایند رقابت جهانی و تأمین نیازهای شهروندان با همکاری و مشارکت آنها انجام می‌شود. تمرکززدایی به معنی انتقال قدرت، مسئولیت و منابع از دولت یا حکومت مرکزی به نهادهای اداری محلی یا سازمان‌های مستقل از دولت است. این انتقال می‌تواند به توسعه محلی و کاهش فقر کمک کند. تمرکززدایی قدرت و اختیارات از سازما نه‌ای مرکزی به سازمان‌های منطقه‌ای و محلی، مبنایی مهم در بهبود توانایی سازما نه‌ای شهرداری برای رویارویی با چالش‌های جدید و پیچیده‌ای است که از شهرنشینی و جهانی شدن نشأت می‌گیرند. به طور کلی تمرکززدایی نیاز مدیران محلی برای دستیابی به اهرم‌های مقرراتی و هماهنگی بیشتر برای مداخله راهبردی در فرایندهای محلی را تأمین می‌سازد. از منظر مهم دیگری نیز تمرکززدایی به نیاز شهروندان و انجمن‌های آنها برای داشتن خودکفایی و تأثیرگذاری بیشتر در سطوح دولتی نزدیک به آنها پاسخ می‌گوید (Edgar, 2000: 9).

جهانی شدن با محلی‌زدایی کردن شهرها، که نیازمند مقدمات مدیریت جدید است، ارتباط دارد (Savitch, 2002: ۱۹). در واکنش به جهانی شدن، دولت‌ها را توسعه می‌دهند که به طور سنتی قدرت را به دولت محلی تفویض نمایند (United Nation, 2001: 234). نهادهای سیاسی و سیستم درونی دولت‌ها در واکنش به فشارهای خارجی تحت عنوان جهانی شدن دگرگون می‌شوند و مدیران شهری روش‌های جدید مدیریتی همگانی (مشارکتی)

را جهت ارتقای کارایی و تأمین تسهیلات ضروری در رده بالای اقتصاد جهانی اعمال کرده و می‌پذیرد. جغرافی دانان و دانشمندان سایر علوم ضمن بررسی رابطه بین تغییر جهانی شدن و مدیریت شهری، بحث را توسعه داده‌اند. آن‌ها استدلال کرده‌اند که روند رایج دگرگونی جهانی، تغییراتی در سازمان‌های مدیریت شهری را ایجاد می‌کند (Brenner, 1999: 433). نمودار زیر رابطه مدیریت شهری و جهانی شدن را به خوبی نشان می‌دهد:

نمودار ۱: رابطه کیفیت مدیریت شهری با گسترش جهانی شدن شهری (Brenner, 1999: 450)



تحول مهم دیگر در شیوه اداره شهرها، پذیرش دخالت عوامل غیر دولتی متعدد در ترکیب قدرت و فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری برای توسعه شهری است. این تحول مهم با استقرار الگوی مدیریتی حکمرانی شهری همراه است که در آن تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری برای اداره شهرها با مشارکت همه منابع قدرت شهری شامل کنشگران بخش‌های دولتی، خصوصی و مدنی انجام می‌شود. در این ترکیب، بخش خصوصی شامل نیروهای بومی و خارجی

است که عمدتاً در عرصه‌های اقتصادی فعالیت دارند. در تعریفی از برنامه توسعه سازمان ملل، حکمرانی شامل ساز و کارها و نهادهایی برای بیان خواسته‌های شهروندان و گروه‌های مردم است و دولت، بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی را دربرمی‌گیرد (برک پور و اسدی، ۱۳۸۸: ۱۹۰).

روشناسی تحقیق

روش تحقیق برای تبیین وضع موجود و یافتن پاسخی به سؤالات تحقیق، روش توصیفی-تحلیلی است که در یک کلیت منطقی در قالب فرایند علمی تحقیق صورت می‌پذیرد. این تحقیق یک تحقیق توصیفی می‌باشد که ابتدا به دنبال چگونگی بودن موضوع می‌باشیم. به عبارت دیگر به دنبال چگونگی وضع موجود می‌باشیم. این تحقیق با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای مانند مطالعه طرح جامع شهر تبریز، مطالعات میدانی شامل پرسشنامه از مدیران شهری، اقتصاد دانان، متخصصان علوم اجتماعی، و ... می‌باشد. همچنین با بررسی همبستگی میان متغیرها که همان شاخص‌های ما می‌باشند و طرز مدیریت این شاخص‌ها در شهر، وجود رابطه بین متغیرها را نشان می‌دهیم. جامعه آماری در این تحقیق مدیران و مسئولان شهری (کارمندان شهرداری‌ها، استانداری، فرمانداری، اداره راه و شهرسازی) و نخبگان (اساتید رشته‌های اقتصاد و مدیریت بازرگانی، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، علوم اجتماعی، علوم سیاسی دانشگاه تبریز و گروه معماری و شهرسازی دانشگاه هنرهای اسلامی). تبریز می‌باشد؛ کل تعداد برابر با ۹۷۹ نفر بود که از طریق تحقیق نگارنده به دست آمده است.

برای تعیین حجم نمونه در تحقیقات از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود. در این تحقیق برای تعیین حجم نمونه از نمونه گیری تصادفی ساده بهره گرفته شده است و بنا به ضرورت از روش نمونه گیری کوکران استفاده شده است. از ویژگی مهم این روش می‌توان به دخالت دادن حجم جامعه در تعیین نمونه اشاره نمود که یک نمونه تقریباً منطقی حاصل می‌شود و در سطح اطمینان ۹۵ درصد و ۹۹ درصد حجم نمونه را می‌توان محاسبه کرد. با توجه به تعداد ۹۷۹ نفر، نتیجه حاصل از فرمول کوکران برابر با ۲۷۶ نفر می‌باشد.

۲۰ نفر	گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری	نخبگان (دانشگاه سراسری)
۲۰ نفر	گروه اقتصاد، مدیریت و بازرگانی	
۱۰ نفر	گروه علوم اجتماعی	
۲۴ نفر	گروه معماری و شهرسازی دانشگاه هنرهای اسلامی	
۵ نفر	گروه علوم سیاسی	مدیران و متخصصان شهری
۴۸ واحد سازمانی (نفر)	شهرداری مرکزی	
۵۹ واحد سازمانی (نفر)	شهرداری منطقه ۱	
۴۷ واحد سازمانی (نفر)	شهرداری منطقه ۲	
۷۴ واحد سازمانی (نفر)	شهرداری منطقه ۳	
۵۶ واحد سازمانی (نفر)	شهرداری منطقه ۴	
۶۱ واحد سازمانی (نفر)	شهرداری منطقه ۵	
۱۰۷ واحد سازمانی (نفر)	شهرداری منطقه ۶	

شهرداری منطقه ۷	۹۰ واحد سازمانی (نفر)
شهرداری منطقه ۸	۴۳ واحد سازمانی (نفر)
شهرداری منطقه ۹	۷۸ واحد سازمانی (نفر)
شهرداری منطقه ۱۰	۱۲۰ واحد سازمانی (نفر)
استانداری	۴۰ واحد سازمانی (نفر)
فرمانداری	۱۸ واحد سازمانی (نفر)
شورای شهر	۲۱ نفر
اداره راه و شهرسازی	۳۸ واحد سازمانی (نفر)
جمع کل	۹۷۹

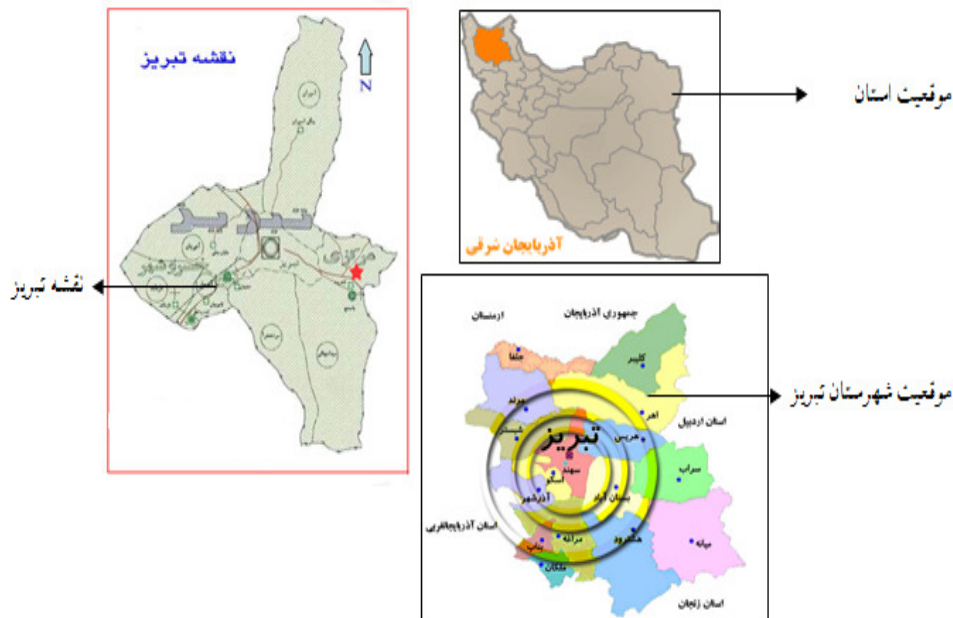
منطقه مورد مطالعه

در سرشماری سال ۱۳۱۸ ه.ش جمعیت تبریز ۲۱۳ هزار نفر اعلام شده است (احسن، ۱۳۷۳: ۴۷). با وجود برخی تغییرات در ساختار شهر، به دلیل شرایط عمومی حاکم بر منطقه و رغبت کم حکومت مرکزی و بخش خصوصی در سرمایه گذاری‌های اقتصادی به ویژه پس از حوادث دهه ۱۳۲۰، رشد جمعیت و گسترش فیزیکی شهر تا اواسط دهه ۱۳۳۰ با آهنگ کندی ادامه یافت که به تبع آن توزیع فضایی فعالیت‌ها و جمعیت بر الگوهای سنتی خود تکیه زده بود که از مشخصه‌های آن اغلب فعالیت‌های تجاری، اداری و صنعتی در مرکز شهری و استقرار گروه‌های اجتماعی بالا دست در مرکز و گروه‌های اجتماعی کم درآمد در پیرامون شهر بود (عظیمی، ۱۳۸۰: ۴). جمعیت شهر از ۲۰۰ هزار نفر در اوایل این قرن، به ۴۰۳۴۱۳ نفر در سال ۱۳۴۵ و به ۵۹۷۹۶ نفر در سال ۱۳۵۵ و به ۹۷۱۴۸۲ نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده است و در سال ۱۳۷۵ به ۱۱۶۶۴۰۲ نفر رسید؛ یعنی در طی حدود نیم قرن اخیر (۷۵ - ۱۳۱۹) حدود ۵/۶ برابر گردیده است (محمدزاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۹). با این حال، در طول قرن بیستم، تبریز مهم‌ترین شهر به لحاظ استراتژیکی و ژئوپلیتیکی بود؛ هنوز هم در قرن ۲۱، تبریز نقش تاریخی‌اش را به عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای ایران حفظ کرده است (Lorentz, 2007: 323). تبریز مرکز ثقل جمعیت شمال غرب کشور، خصوصاً آذربایجان شرقی است. در سرشماری ۱۳۳۵، شهر تبریز با ۲۸۹۹۹۶ نفر جمعیت، دومین شهر پر جمعیت ایران بعد از شهر تهران بود؛ در سرشماری ۱۳۴۵، پس از تهران، اصفهان و مشهد، جایگاه چهارم را داشت، و از سرشماری ۱۳۴۵، فقط جایگاه مشهد با اصفهان عوض شد، ولی تبریز همچنان، چهارمین شهر پر جمعیت ایران تا سرشماری ۱۳۸۵، با جمعیتی در حدود ۱۳۹۸۰۶۰ نفر باقی مانده است. بر اساس جدول بیشترین رشد جمعیت ما بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ بوده و از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ رشد جمعیتی تبریز کاهش محسوسی یافته است.

سهم جمعیت تبریز از ۸۱۵۶۲۶ نفر جمعیت شهرنشین استان در سال ۱۳۴۵، ۴۹/۴۶ درصد و از ۲۲۹۵۵۱۷ نفر جمعیت شهری استان در سال ۱۳۷۰، ۴۷/۴۴ درصد بوده است. همانطور که مشخص است ضریب نخست شهری از $K = ۴/۳۳$ در سال ۱۳۴۵ به $K = ۳/۵۰$ در سال ۱۳۷۰ کاهش یافته که این روند در سرشماری ۱۳۷۵ نیز مشاهده شده است. بنابراین موقعیت نخست شهری تبریز در آذربایجان شرقی تعدیل می‌شود و روند رشد جمعیت شهر رو به کاهش می‌باشد و از نرخ رشد ۵ درصد در دوره سرشماری ۶۵ - ۱۳۵۵ به ۱/۸۵ درصد در دوره ۷۵ - ۱۳۶۵ رسیده

است. با در نظر گرفتن اضافه سرشماری‌های احتمالی و اثرات انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی در دوره سرشماری ۶۵ - ۱۳۵۵ و کم‌شماری احتمالی در سرشماری ۱۳۷۵ باز هم نرخ رشد شهر در حال کاهش می‌باشد؛ که استان شدن اردبیل یکی از عناصر مؤثر در موضوع می‌تواند باشد (همان، ۲۵۷). این شهر بر اساس سرشماری ۱۳۸۵ نزدیک به ۳۰ درصد از جمعیت منطقه آذربایجان را به خود اختصاص داده است و در رأس هرم سلسله مراتب مراکز شهری قرار گرفته است، اما کاهش تدریجی پدیده ماکروسفالی بر گستره آذربایجان دیده می‌گردد- در صورتی که ۴۱ شهر کمتر از ۵ هزار نفر این منطقه در سال ۱۳۸۵ تنها حدود ۲/۴ درصد از جمعیت شهری منطقه و ۲۸ شهر ۱۰ - ۵ هزار نفر ۴/۱ درصد و ۱۷ شهر ۲۵ - ۱۰ هزار نفری ۵/۶ درصد جمعیت شهری منطقه را به خود اختصاص داده‌اند. به تدریج از پایین‌ترین رده‌های سلسله مراتب با وجود اینکه تعداد شهر کاهش پیدا می‌کند بر افزایش تصاعدی جمعیت شهری به شدت افزوده می‌شود و متوسط جمعیت شهری کمتر از ۲۵ هزار نفر بسیار پایین و در حد ۵۰۰۰ نفر می‌باشد، این در حالی است که ۷۳ شهر زیر ۲۵ هزار نفر در این منطقه وجود دارد (استانداری آذربایجان شرقی، ۱۳۸۶: ۵).

شکل ۱- موقعیت جغرافیایی شهر تبریز



یافته‌های تحقیق

توصیف شاخص و مؤلفه‌ها

محقق در این تحقیق به بررسی جایگاه شهر جهانی در مدیریت شهری کلانشهر تبریز پرداخته و برای بررسی، گویه‌ها را تنظیم نموده تا پس از پاسخگویی هریک از اعضای جامعه نمونه، به بررسی آماری و تحلیلی آن بپردازد.

جدول ۱- شاخص‌ها و گویه‌های مربوط به بررسی جایگاه شهر جهانی در مدیریت شهری کلانشهر تبریز

گویه‌ها	
آشنایی با واژه جهانی شدن	ظرفیت‌های جهانی شدن شهر
آشنایی با جهانی شدن و اقتصاد	اصول مدیریتی شهرها
آشنایی با جهانی شدن فرهنگ و اجتماع	قواعد مجموعه مدیریت شهری شهر جهانی
آشنایی با جهانی شدن سیاست	پتانسیل‌های لازم برای جهانی شدن شهرها
آشنایی با جهانی شدن فناوری و تکنولوژی	عملکرد مدیریت شهری در شهرهای جهانی
جهانی شدن شهر	

جدول ۲- نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای بر روی مؤلفه‌های آشنایی مدیران و مسئولین شهری با جهانی شدن

Test Value=3						میانگین	انحراف معیار	مقدار آماره t	(sig) سطح معنی داری	میانگین اختلاف از	درصد سطح اطمینان ۹۵	میزان اختلاف در	آشنایی مدیران و مسئولین شهری کلانشهر تبریز با مفاهیم شهرهای جهانی
میزان آشنایی با واژه جهانی شدن	میزان آشنایی با جهانی شدن و اقتصاد	میزان آشنایی با دیپلماسی شهری و جهانی شدن سیاست	میزان آشنایی با مفهوم شهر اطلاعاتی	میزان آشنایی با جهانی شدن و فرهنگ	سنجش استقلال مجموعه مدیریت شهری در شهرهای جهانی								
۴,۵۲	۴,۳۲	۴,۳۷	۴,۲۷	۴,۳۸	۴,۳۲	۴,۳۱	۴,۲۸	۴,۲۸	۴,۲۶	۴,۲۶	۴,۲۶	۴,۲۵	۴,۲۳
۰,۵۰۰	۰,۴۶۹	۰,۴۸۵	۰,۴۴۹	۰,۴۸۸	۰,۴۶۹	۰,۴۶۶	۰,۴۵۱	۰,۴۵۱	۰,۴۴۱	۰,۴۴۳	۰,۴۳۷	۰,۴۲۲	۰,۴۲۲
۵۰,۵۲	۴۶,۶۹۱	۴۷,۱۲	۴۷,۲۹	۴۷,۲۳	۴۶,۹۱	۴۶,۹۳	۴۷,۲۴	۴۷,۲۴	۴۷,۵۴	۴۷,۴۷	۴۷,۷۵	۴۸,۴۰	۴۸,۴۰
۰,۰۳۰	۰,۰۲۸	۰,۰۲۹	۰,۰۲۷	۰,۰۲۹	۰,۰۲۸	۰,۰۲۸	۰,۰۲۷	۰,۰۲۷	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۵	۰,۰۲۵
۴,۴۷۲	۴,۲۷۹	۴,۳۲۸	۴,۲۳۴	۴,۳۳۹	۴,۲۷۹	۴,۲۷۲	۴,۲۳۷	۴,۲۴۴	۴,۲۲۰	۴,۲۲۶	۴,۲۱۳	۴,۱۸۹	۴,۱۸۹

از میان مؤلفه‌های مورد بررسی در جدول (آزمون تی تک نمونه‌ای بر روی مؤلفه‌های میزان آشنایی مدیران و مسئولین شهری کلانشهر تبریز با مفاهیم شهرهای جهانی) همه مؤلفه‌ها سطح معناداری یکسانی را نشان می‌دهد (۰/۰۰۰) و از آنجائیکه کمتر از (۰/۰۵) می‌باشند، مورد پذیرش واقع شده‌اند. از آنجا که مقایسه میانگین هر یک با

حد مبنا (۳) صورت می‌گیرد، چون اعداد بدست آمده حاصل از میانگین بیشتر از حد مبنا می‌باشد، نشانگر مطلوب بودن میزان آشنایی مدیران و مسئولین کلانشهر تبریز با مفاهیم شهرهای جهانی می‌باشد.

میانگین ۴,۳۲ حاصل شده است. و رقم حاصل بسیار بالاتر از حد مبنا (۳) می‌باشد؛ که به بیانی ساده‌تر نشان می‌دهد، فرضیه تحقیق اثبات شده و میزان آشنایی مدیران و مسئولین شهری کلانشهر تبریز با مفاهیم شهرهای جهانی وضعیت مطلوبی دارد. گسترش روز افزون تکنولوژی و فراگیر شدن این پدیده در تمام ابعاد زندگی، بخصوص در اقشار باسواد جامعه باعث شده است تا به لطف گسترش فناوری، مدیران شهری نیز از این فراگیری بهره مند شوند و با فرایند جهانی شدن بیش از پیش آشنا شده و واژه جهانی شدن برای این قشر از جامعه ناآشنا نباشد.

شاخص ارزیابی ظرفیت نهادی - مدیریتی لازم برای تبدیل شدن تبریز به شهر جهانی

جدول ۳- نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای بر روی مؤلفه‌های ظرفیت نهادی - مدیریتی لازم برای تبدیل شدن تبریز به شهر

جهانی

Test Value=3						ظرفیت نهادی-مدیریتی لازم برای تبدیل شدن تبریز به شهر جهانی
میزان اختلاف در سطح اطمینان ۹۵ درصد	اختلاف از میانگین	سطح معنی داری (sig)	مقدار آماره t	انحراف معیار	میانگین	
۲,۳۸۷	۰,۰۳۰	۱,۰۰۰	-۱۸,۲۴	۰,۵۱۱	۲,۴۳۸	زیر ساخت‌های کالبدی- فضایی
۲,۳۳۴	۰,۰۳۲	۱,۰۰۰	-۱۹,۱۶	۰,۵۳۰	۲,۳۸۷	توانایی لازم برای افزایش کیفیت محیط شهری
۲,۲۷۴	۰,۰۲۹	۱,۰۰۰	-۲۳,۲۸	۰,۴۸۳	۲,۳۲۲	ظرفیت‌های اقتصادی مطلوب
۲,۲۰۴	۰,۰۳۲	۱,۰۰۰	-۲۳,۰۶	۰,۵۳۵	۲,۲۵۷	وجود قوانین پشتیبان
۲,۲۲۴	۰,۰۳۱	۱,۰۰۰	-۲۳,۳۵	۰,۵۱۵	۲,۲۷۵	نیروی انسانی کافی و کارآمد
۲,۲۳۳	۰,۰۳۲	۱,۰۰۰	-۲۲,۲۱	۰,۵۳۳	۲,۲۸۶	جایگاه شهرداری تبریز در نظام سیاسی - اداری کشور
۲,۲۱۷	۰,۰۳۰	۱,۰۰۰	-۲۴,۰۷	۰,۵۰۵	۲,۲۶۸	وجود اختیارات قانونی برای شهرداری تبریز
۲,۱۹۶	۰,۰۳۲	۱,۰۰۰	-۲۳,۱۴	۰,۵۳۸	۲,۲۵۰	پتانسیل دیپلماسی فرهنگی و تعاملات فراملی
۲,۲۳۳	۰,۰۳۲	۱,۰۰۰	-۲۲,۲۱	۰,۵۳۳	۲,۲۸۶	وجود فستیوال‌های هنری
۲,۲۲۴	۰,۰۳۰	۱,۰۰۰	-۲۳,۶۸	۰,۵۰۸	۲,۲۷۵	زیر ساخت‌های رسانه‌ای
۲,۲۷۵	۰,۰۳۰	۱,۰۰۰	-۲۳,۷۸	۰,۵۱۴	۲,۳۲۶	ظرفیت‌های اقتصاد دانش بنیان و فناوری‌های نوین
۲,۲۵۹	۰,۰۲۹	۱,۰۰۰	-۲۳,۶۸	۰,۴۸۵	۲,۳۰۸	پتانسیل‌های علمی

از میان مؤلفه‌های مورد بررسی در جدول (آزمون تی تک نمونه‌ای بر روی مؤلفه‌های ظرفیت نهادی - مدیریتی لازم برای تبدیل شدن تبریز به شهر جهانی) همه مؤلفه‌ها سطح معناداری (۱/۰۰۰) یکسانی را نشان می‌دهد و از آنجائیکه بزرگ‌تر از (۰/۰۵) می‌باشند، فرضیه صفر (مطلوب نمی‌باشد) مورد پذیرش واقع شده‌اند. از آنجا که مقایسه میانگین هر یک با حد مبنا (۳) صورت می‌گیرد، چون عدد بدست آمده حاصل از میانگین کمتر از حد مبنا می‌باشد، نشانگر

مطلوب نبودن ظرفیت نهادی - مدیریتی لازم برای تبدیل شدن تبریز به شهر جهانی می‌باشد. در گام بعدی وضعیت کلانشهر تبریز از ظرفیت نهادی- مدیریتی لازم برای تبدیل شدن به شهر جهانی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج تحقیق نشانگر این بود که کلانشهر تبریز ظرفیت لازم برای تبدیل شدن به شهر جهانی را در بعد نهادی- مدیریتی دارا نمی‌باشد. که میانگین کل ۱۲ گویه ۲,۲۳ می‌باشد که پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد و نتیجه گیری از این فرضیه بدین صورت می‌باشد که از نظر مدیران و مسئولین و نخبگان کلانشهر تبریز ظرفیت نهادی- مدیریتی برای تبدیل شدن به شهر جهانی را دارا نمی‌باشد.

شاخص ارزیابی عملکرد مدیریت شهری کلانشهر تبریز برای تبدیل شدن به شهر جهانی

جدول ۴- آزمون تی تک نمونه‌ای بر روی مؤلفه‌های سنجش عملکرد مدیریت شهری تبریز برای تبدیل کلانشهر تبریز به

شهر جهانی

Test Value=3						عملکرد مدیریت شهری تبریز در تبدیل کلانشهر تبریز به شهر جهانی
میزان اختلاف در سطح اطمینان ۹۵ درصد	سطح معنی داری (sig)	مقدار آماره t	اختلاف از میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۲,۳۴۰	۱,۰۰۰	۲۵,۷۳-	۰,۰۲۷	۰,۴۶۰	۲,۲۸۶	وجود برنامه عملیاتی جهانی شدن در طرح جامع تبریز
۲,۵۴۵	۱,۰۰۰	۱۶,۸۳-	۰,۰۳۰	۰,۵۰۷	۲,۴۸۵	وجود کارگروه برای بررسی مسائل کلانشهر تبریز
۲,۲۵۵	۱,۰۰۰	۲۹,۷۱-	۰,۰۲۶	۰,۴۴۵	۲,۲۰۲	اقدامات عملی مجموعه مدیریت شهری برای تقویت نقش فراملی تبریز
۲,۳۱۸	۱,۰۰۰	۲۲,۶۷-	۰,۰۳۲	۰,۴۵۶	۲,۲۵۳	عملکرد سازمان‌ها
۲,۳۵۴	۱,۰۰۰	۲۱,۵۰-	۰,۰۳۳	۰,۵۴۸	۲,۲۸۹	سیاست گذاری در زمینه بین المللی
۲,۳۸۲	۱,۰۰۰	۲۰,۹۹-	۰,۰۳۲	۰,۵۳۹	۲,۳۱۸	برنامه‌های مدیریت شهری در راستای جهانی شدن
۲,۴۳۵	۱,۰۰۰	۱۹,۷۴-	۰,۰۳۱	۰,۵۲۷	۲,۳۷۳	اقدامات در زمینه اقتصاد جهانی
۲,۳۷۵	۱,۰۰۰	۲۱,۳۱-	۰,۰۳۲	۰,۵۳۶	۳,۳۱۱	سیاست شهری
۲,۳۸۲	۱,۰۰۰	۲۰,۹۹-	۰,۰۳۲	۰,۵۳۹	۲,۳۱۸	اقدامات فرهنگی
۲,۳۷۴	۱,۰۰۰	۲۲,۶۲-	۰,۰۳۰	۰,۵۰۳	۲,۳۱۵	عملکرد مدیران شهری در زمینه فناوری‌های نوین و تکنولوژی

از میان مؤلفه‌های مورد بررسی در جدول (آزمون تی تک نمونه‌ای بر روی مؤلفه‌های عملکرد مدیریت شهری تبریز در تبدیل کلانشهر تبریز به شهر جهانی) همه مؤلفه‌ها سطح معناداری (۱/۰۰۰) یکسانی را نشان می‌دهد و از آنجایی که بزرگ‌تر از (۰/۰۵) می‌باشند، فرضیه صفر (مطلوب نمی‌باشد) مورد پذیرش واقع شده‌اند. از آنجا که مقایسه میانگین هر یک با حد مبنا (۳) صورت می‌گیرد، چون عدد بدست آمده حاصل از میانگین کمتر از حد مبنا می‌باشد، نشانگر مطلوب نبودن عملکرد مدیریت شهری تبریز در تبدیل کلانشهر تبریز به شهر جهانی می‌باشد. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای بر روی مؤلفه‌های عملکرد مدیریت شهری تبریز در تبدیل کلانشهر تبریز به شهر جهانی نشان می‌دهد که عملکرد مدیریت شهری تبریز مطلوب نمی‌باشد. میانگین ۱۱ گویه فرضیه سوم برابر با ۲,۳۱ می‌باشد که

از حد متوسط (۳) کمتر می‌باشد و این امر نشانگر عملکرد نامطلوب مدیران شهری کلانشهر تبریز در تبدیل کلانشهر تبریز به شهر جهانی می‌باشد.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

در این پژوهش جایگاه شهر جهانی در مدیریت کلانشهر تبریز مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش ابتدا نگرش مدیران و مسئولین شهری کلانشهر تبریز نسبت به جهانی شدن مورد سنجش قرار گرفت که نتایج حاصل از پژوهش نشانگر این موضوع هست که مدیران و مسئولین شهری کلانشهر تبریز با جهانی شدن و شهر جهانی آشنایی مطلوبی دارند. مدیران شهری علاوه بر واژه جهانی شدن و شهر جهانی، در مورد میزان آشنایی‌شان با جهانی شدن در شاخص‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... مورد سنجش قرار گرفتند که به دلیل توسعه علوم، فراگیری تکنولوژی و بسیاری از مواردی که مربوط به جهانی شدن هست در همه شاخص‌ها میزان آشنایی‌شان مطلوب بود. با توجه به نتایج بدست آمده کلانشهر تبریز ظرفیت نهادی- مدیریتی مطلوبی برای تبدیل به شهر جهانی را ندارد. با توجه به شاخص‌های مورد بررسی در این پژوهش، موقعیت جغرافیایی کلانشهر تبریز در نقشه سیاسی ایران، فاصله با پایتخت به عنوان یک سرزمین جهان سومی، سیستم نظام متمرکز، نبود زیر ساخت‌های لازم و ... باعث شده تا شهر تبریز از پتانسیل‌های لازم برای تبدیل به شهر جهانی برخوردار نباشد.

با توجه به نتایج پژوهش، عملکرد مدیران و مسئولین شهری در تبدیل شهر کلانشهر تبریز به شهر جهانی مطلوب نمی‌باشد. این امر بیشتر به دلیل مسائل مربوط به سیستم اداری متمرکز، عدم وجود برنامه‌های عملیاتی، عدم وجود کارگروه‌های تخصصی، عدم سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی کافی و ... باعث شده است تا عملکرد مدیران و مسئولین شهری در زمینه تبدیل به شهر جهانی مطلوب نباشد. به طور کلی در فرایند جهانی شدن، تبدیل یک شهر به شهر جهانی، تنها آشنایی مدیران و مسئولین شهری با جهانی شدن و شهر جهانی کفایت نمی‌کند. همه عوامل باید مدیریت شهری در حالت سیستمی و هماهنگ قرار بگیرند تا فرایند جهانی شدن بتواند عملی شود. وجود زیر ساخت‌های قوی، سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی، اقتصاد پویا، موقعیت جغرافیایی، تقویت روابط فرهنگی و ... با عث می‌شود تا یک شهر جهانی تلقی شود. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان موارد زیر را برای محدوده مورد مطالعه پیشنهاد کرد:

- | | |
|---|---|
| ✓ رونق اقتصاد شهری از طریق استقرار فعالیت‌های خدماتی (بیمه، مالی، تبلیغاتی) | ✓ عملیاتی نمودن آموزش تخصصی مدیران شهری با جهانی شدن و شهر جهانی |
| ✓ بهره‌گیری از تجارب شهرهای جهانی | ✓ آموزش نیروهای انسانی در جهت آشنایی با جهانی شدن و حرکت به سمت فعالیت‌های دانش بنیان |
| ✓ توجه به اقتصاد بومی و شناساندن پتانسیل‌های محله محوری | ✓ به کارگیری متخصصان آشنا به تکنولوژی در مدیریت شهری |
| ✓ تضمین سرمایه‌های گذاران خارجی | ✓ آموزش شهروندان و تبدیل شهروندان به شهروندان جهانی |
| ✓ تقویت نقش اقتصادی- سیاسی منطقه آزاد تجاری ارس | |

- | | |
|---|--|
| ✓ حمایت از تولیدکنندگان و سرمایه گذاران خارجی | ✓ تبلیغات رسانه‌ای و شناساندن جاذبه‌های گردشگری کلانشهر تبریز جهت گردشگران خارجی |
| ✓ تغییر نگرش نسبت به نقش دولت در فرایند مدیریت شهری | ✓ تأمین فضاهای لازم جهت حضور و فعالیت‌ها یا رویدادهای فرهنگی |
| ✓ استقلال حاکمیت شهری از حاکمیت ملی | ✓ تقویت مناسبات فرهنگی تبریز با سایر شهرهای جهانی |
| ✓ اعطای اختیارات قانونی به شهرداری | ✓ خصوصی سازی ارتباطات و تکنولوژی به منظور ایجاد حس رقابت |
| ✓ تمرکز زدایی در نظام مدیریت شهری کلانشهر تبریز | ✓ تدوین برنامه‌های جامع گردشگری الکترونیک |
| ✓ تقویت، احیا و بازسازی بناهای تاریخی کلانشهر تبریز | ✓ تقویت و بهبود جایگاه دانشگاه‌ها و مراکز علمی تبریز |
| | ✓ تولید برنامه‌های رسانه‌ای بین‌المللی |
| | ✓ توسعه زیر ساخت‌های مخابرات |

منابع

۱. احسن، مجید (۱۳۷۳). تمرکز و تمرکززدایی و آثار کالبدی آن، فصلنامه آبادی، سال ۴، شماره ۱۵.
۲. استانداری آذربایجان شرقی (۱۳۸۶). مطالعات طرح آمایش استان آذربایجان شرقی: تحلیل ساختار فضایی وضع موجود؛ تبریز: معاونت برنامه‌ریزی استانداری آذربایجان شرقی.
۳. استعلامی، علیرضا (۱۳۹۲). چالش‌های پدیده جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه با تاکید بر ایران. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۴۶-۳۲.
۴. برک پور، ناصر، ایرج اسدی (۱۳۸۸). مدیریت و حکمروایی شهری. دانشگاه هنر، تهران.
۵. بهکیش، محمد مهدی (۱۳۸۴). اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن. تهران، انتشارات نی، چاپ سوم، صص ۲۵-۴۶.
۶. تاملینسون، جان (۱۳۸۰). جهانی شدن و فرهنگ. ترجمه محسن حکیمی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی. صص ۱۷-۱۹.
۷. توحیدفام، محمد (۱۳۸۱). تفسیر فرهنگی جهانی شدن. فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۴۷-۴۱.
۸. توسلی، مجید (۱۳۸۶). پدیده‌ای به نام جهانی شدن. پرسمان، تیر ۱۳۸۶، شماره ۵۸.
۹. حسامیان، فرخ (۱۳۸۵). وابستگی و شهرنشینی. گروه تحقیق و مطالعات شهری و منطقه‌ای، تهران.
۱۰. رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰). جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی. ترجمه کمال پولادی. تهران، نشر ثالث و مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها. صص ۳۲۹-۳۸۵.
۱۱. رضویان، محمدتقی (۱۳۸۲). جهانی‌شدن، تمدن و شهرنشینی. پژوهش‌های اقتصادی، تهران.

۱۲. شکویی، حسین (۱۳۷۳). دیدگاه‌های نو در فلسفه جغرافیا. جلد دوم، تهران، انتشارات گیتاشناسی.
۱۳. شورت، جان (۱۳۸۴). جهانی شدن و شهر. ترجمه احمد پور احمد و شایان رستمی (قهرمان). تهران، انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی. صص ۳-۴.
۱۴. صرافی، مظفر (۱۳۷۹). شهری شدن جهان و جهانی شدن شهرها: طرح مساله‌ای برای جنوب. ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی. شماره ۱۵۶ - ۱۵۵.
۱۵. عزیز الاسلام (۱۳۸۱). جهانی شدن و توسعه با نگرش به تجربه آسیا. ترجمه فرهادی و پناهی، مجله برنامه و بودجه، شماره ۶۴.
۱۶. عظیمی، نورالدین (۱۳۸۰). تغییرات ساختاری شهر تبریز، مجله فضای جغرافیایی، شماره ۴.
۱۷. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲). جهانی شدن و جهان سوم. انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
۱۸. کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۷). نظریه مبادله ارزش مازاد فرهنگی. مجموعه مقالات چپستی گفتگوی تمدنها. انتشارات انقلاب اسلامی، تهران.
۱۹. محمدزاده، رحمت، جمالی، فیروز، پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۸۴). نقش شهرسازی مدرن در تحلفات ترافیکی پیاده بافت قدیم تبریز، نشریه هنرهای زیبا (دانشگاه تهران)، شماره ۲۱.
۲۰. مصطفوی، شمس‌الملوک (۱۳۸۲). مبانی فلسفی جهانی شدن، رساله‌ی دکتری فلسفه. دانشگاه آزاد اسلامی. صص ۱۵-۱۳.
۲۱. مهدیزاده، جواد (۱۳۸۵). برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران. تهران، شرکت نشر پیام سیما، چاپ دوم.
۲۲. میر محمدی، داوود (۱۳۸۱). جهانی شدن، ابعاد و رویکردها، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۱، سال سوم، صص ۳۲-۱۰.
۲۳. نوبخت، محمدباقر و حامد محمدی (۱۳۸۷). فرایند جهانی شدن تغییرات و الزامات لازم در حوزه‌ی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۴. واترز، مالکوم (۱۳۷۹). جهانی شدن. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی. تهران، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی. صص ۱۲-۱۰.
25. Brenner, Ned (1999). "Globalization as reterritorialization", *the re-scaling of urban governance in the European Union, urban studies vol, 36, No 36 (March), pp 433- 450.*
26. Edgar, P. (2000). *Participatory Urban Governance: Practical Approaches, Regional Trends and UMP Experiences. A Publication for the UNCHS [Habitat].*
27. Friedman, T. (1999). *The Lexus and Olive tree: understanding globalization. New York: Basic books.*
28. Gills, Dong (2002). *Sook. Economic globalization and women in Asia Challenges and responses. London Routledge. UNESCAP, p 25.*
29. Johnston, R.J (1985). *Future of geography, Methuen Press.*
30. Lorentz, John H., (2007). *Historical Dictionary of IRAN, Lanham: The Scarecrow Preaa, Ltd.*

31. Lucas, A., (2004). *Manuela How can we make globalization work for sustainable development, Afrique PALOP: Developpement et mondialisation seminaire Universite Libre de Bruxelles* 1-2 mars.
32. Robert, B (2005). *Globalization and Latin American Cities. International Goral Of Urban and Regional Research*.pp 98-111.
33. Schuurman, J. F. (2001). *Globalization and Development Studies: Challenges for the 21st Century*, Sage Publications.
34. United Nations centre for Human settlements (2001), "Cities in a Globalizing world", *Global Report on Human Settlements*.
35. Zhao, X. B. & Chan, C.K. Sit, T.O (2003). *Globalization And The Dominance Of Large Cities In Contemporary China, Printed In Great Britain*.2003, p p 32-76.